267730 ـ آیا کسی که دچار اختلالات روانی است، اهل تکلیف است؟

سوال

من از حالتی به نام عاطفه سطحی (flat effect) رنج می‌برم. این اختلال باعث می‌شود احساسات بشری مانند دوست داشتن و تنفر و دلسوزی و دلتنگی یا هرگونه احساسات دیگر را تجربه نکنم مگر به شکلی نادر و برای مدتی کوتاه. من حتی نسبت به پدر و مادرم احساسی ندارم و این قضیه از سن ۱۵ سالگی آغاز شد و تاکنون ادامه داشته. حالت من قابل درمان نیست و در طول زندگی با من خواهد بود. سؤال من این است: آیا من بر حسب شریعت مکلف هستم و آیا نماز و روزه و زکات بر من واجب است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این را بدانید که عاطفهٔ سطحی یا آن‌چه به زبان علم آن را flat effect می‌نامند از عوارض بیماری است و خودش به شکل مستقل یک بیماری به شمار نمی‌رود.

این عارضه، گسترهٔ وسیعی دارد که ممکن است در آن خود را نشان دهد، که این گستره از اختلالات شخصیتی (personality disorders) آغاز و به روان پریشی (psychotic disorders) پایان می‌پذیرد.

در مورد اختلالات روان پریشی، غالب آن است که این اختلالات مزمن است.

اما می‌توان اغلب عوارض بیمارگونهٔ این اختلال به ویژه عوارض مثبت آن (positive symptoms) مانند هذیان و توهمات شنیداری را از طریق درمان مستمر کنترل کرد.

اصل کلی این است که شخص مبتلا به یکی از اختلالات روانی یا روان پریشی دربارهٔ هر یک از تکالیف شرعی که آن را درک کند و بفهمد مکلف است.

زیرا مناط تکلیف و «اهلیت خطاب»، همان عقل است نه «احساسات» یا «وجدان». چرا که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: «قلم از سه تن برداشته شده است: از خوابیده تا آن‌که بیدار شود، و از کودک تا آن‌که بالغ کردد و از دیوانه تا آن‌که سر عقل آید» به روایت ترمذی (۱۴۲۳) و آلبانی در صحیح ترمذی آن را صحیح دانسته است.

بنابراین تا وقتی که شخص «عاقل» به شمار می‌آید و محتوای خطاب شرع را می‌فهمد مکلف به انجام آن است حتی اگر دچار اختلال روانی باشد مگر آن‌که درک خود یا بخشی از آن را از دست بدهد.

حال اگر اختلال او باعث فقدان احساسات شود، دربارهٔ احساساتی که خداوند او را مکلف به آن ساخته اما به سبب این اختلال قادر به آن نیست مانند دوست داشتن مادر و پدر یا بد دانستن کافران و منکرات، مورد عفو قرار می‌گیرد. و اگر این اختلال باعث زوال عقل و درک صاحبش نشود لازم است نماز و روزه را انجام دهد زیرا همچنان مکلف است.

و اگر برای مدتی دچار زوال عقل می‌شود و گاه سر عقل می‌آید در هنگام زوال عقل معذور است اما هنگامی که به عقل می‌آید عذرش از بین می‌رود و واجب است نمازی را که در وقتش قرار دارد انجام دهد و نمازهایی که در هنگام زوال عقل به جای نیاورده را قضا کند.

مانند آن‌چه در هنگام حمله‌های حاد توهم مانند هذیان حاد یا حملات حاد شیدایی (mania) رخ می‌دهد.

این هم باید دانسته شود که زکات بر کودک و مجنون یا کسی که به صورت موقت عقل خود را از دست داده بنابر قول جمهور فقها ـ به جز احناف ـ واجب است و ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ قول به وجوب را برگزیده است چنان‌که در «الشرح الممتع» (۶/ ۱۴) آمده است.

والله اعلم